

# بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تبارك و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

علم

شناسنامه مطلب	
t-249	کد مطلب
تزکیه‌ای / ردائل و فضائل / فضائل / سطح شناخت	رده
تزکیه، تربیت نفس، فضائل، علم، اصلاح اندیشه، آثار علم، امام خمینی	برچسب
	توضیحات

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمُو

nomov.ir

عن أبي عبد الله، عليه السلام، قال قال رسول الله، صَلَّى اللهُ عليه وآله: من سلك طريقا يطلب فيه علما، سلك الله به طريقا إلى الجنة. وإن الملائكة لتضع أجنحتها لطالب العلم رضا به. وإنه يستغفر لطالب العلم من في السماء و من في الأرض حتى الحوت في البحر. و فضل العالم على العابد كفضل القمر على سائر التّجوم ليلة البدر. و إنّ العلماء ورثة الأنبياء، إنّ الأنبياء لم يورثوا دينارا و لا درهما، و لكن ورتوا العلم، فمن أخذ منه، أخذ بحظّ وافر.<sup>۱</sup> ترجمه «فرمود حضرت صادق، عليه السلام: رسول خدا صَلَّى اللهُ عليه وآله فرمود: «کسی که برود راهی را که طلب کند در آن علمی را، سلوک دهد خداوند به او راهی در بهشت. و همانا فرشتگان پهن می‌کنند پرهای خود را برای طالب علم از روی خشنودی به او. و همانا طلب مغفرت و آمرزش کند برای طالب علم هر کس در آسمان و هر کس در زمین می‌باشد، حتی ماهی در دریا. و فضیلت عالم بر عابد مثل فضیلت ماه است بر دیگر ستارگان در شب بدر. و همانا علما ارث بر پیغمبران اند پیغمبران به ارث نگذاشتند پول طلا و نقره، و لیکن به ارث گذاشتند علم را، پس کسی که اخذ کرد از آن، حظ بسیاری برد.» شرح بدان که الفاظ روایت شریفه احتیاج به شرح ندارد، ولی این چند خصلتی را که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عليه وآله برای فضیلت طالب علم و علما بیان فرمودند در ضمن چند فصل به مناسبت به شرح آنها می‌پردازیم. و علی الله التّکلان.

در بیان آنکه کسی که سلوک طریق علم کند حق تعالی او را سلوک طریق جنت دهد.

و باید مقدمات دانست که علوم مطلقا منقسم می‌شود به دو قسمت: یکی علوم دنیایی، که غایت مقصد در آنها رسیدن به مقاصد دنیویه است. و دیگر علوم اخرویّه، که غایت مقصد در آنها نیل به مقامات و درجات ملکوتیه و وصول به مدارج اخرویّه است. و پیش از این اشاره شد به اینکه غالبا امتیاز این دو نحوه علم به امتیاز نیات و قصود است، گرچه خود آنها نیز فی حد نفسها به دو سنخ منقسم شوند. و به مناسبت آثاری که در این حدیث شریف برای طلب علم و علما بیان فرمودند، مقصود از این علم قسم دوم و علم آخرت است. و این واضح است.

۱ - اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴، «کتاب فضل العلم»، «باب ثواب العالم و المتعلم»، حدیث ۱

و نیز پیش از این ذکر شد که کلیه علوم اخرویه از سه حال خارج نیست: یا از قبیل علم باللّه و معارف است، یا از قبیل علم تهذیب نفس و سلوکِ اِلَى اللّٰه است، یا از قبیل علم آداب و سنن عبودیت است. اکنون گوییم که تعمیر نشئه آخرت بسته به این سه امر است، و بنابر این، جنّات نیز به تقسیم کلی سه جنّت است: یکی جنّت ذات، که غایت علم باللّه و معارف الهیّه است. و دیگر جنّت صفات، که نتیجه تهذیب نفس و ارتیاض آن است. و سوم جنّت اعمال، که صورت قیام به عبودیت و نتیجه آن است. و این جنّات معموره و آبادان نیستند، چنانچه ارض جنّت اعمال قاع<sup>۱</sup> است، چون اراضی نفس در اوّل امر. و آبادان و عمران آنها تابع عمران و آبادانی نفس است. چنانچه اگر مقام غیب نفس تعمیر به معارف الهیه و جذبات غیبیه ذاتیه نشود، بهشت ذات و جنّت لقاء از برای انسان حاصل نشود. و اگر تهذیب باطن و تحلیه سرّ نگردهد و عزم و اراده قوی نشود و قلب مجلای اسماء و صفات نگردهد، بهشت اسماء و صفات، که جنّت متوسطه است، برای انسان نباشد. و اگر قیام به عبودیت نکند و اعمال و افعال و حرکات و سکّات او مطابق دستورات شرایع نباشد، بهشت اعمال، که فیها ما تشتهیه الأنفس و تلذّ الأعین<sup>۲</sup> می‌باشد، از برای او نیست.

بنابر این مقدمه، که مطابق با برهان حکمی و ذوق اهل معارف و اخبار انبیا و اولیا علیهم السلام و مستفاد از کتاب کریم الهی است، علوم به هر درجه که هستند، چه علم المعارف باشد یا غیر آن طریق وصول به جنّت مناسب با آن است، و سالک طریق هر علمی سالک طریقی از طرق بهشت است. و ما پیش از این ذکر کردیم<sup>۳</sup> که علم مطلقا طریق به عمل است حتی علم المعارف، منتها آنکه علم المعارف اعمالی است قلبی و جذباتی است باطنی که نتیجه آن اعمال و جذبات، و صور باطنه آنها صورت جنّت ذات و بهشت لقا است. پس، سلوک طریق علم سلوک طریق جنّت است، و طریق طریق نیز طریق است.

۱ - پاورقی ۱۶، حدیث ۲۲

۲ - «آنچه مورد خواهش نفسها و مایه لذت چشمهاست در آن است.» (زخرف - ۷۱)

۳ - حدیث ۲۳ و ۲۴

و نکته مهمه اینکه فرموده است: سلك الله به إلى الجنة و سلوك علمی را به عبد نسبت داده و سلوك إلى الجنة را به ذات مقدس حق نسبت داده است، برای آن است که در مقام کثرت جنبه کسب عبد را غلبه داده، و در مقام رجوع به وحدت جنبه حق را غلبه داده، و الا با نظری توان گفت سلوك إلى الجنة نیز منسوب به عبد است: و وجدوا ما عملوا حاضرا. <sup>۱</sup> فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ. وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ. <sup>۲</sup> و با نظری توان گفت سلوك إلى العلم نیز به تأیید و توفیق حق و منسوب به ذات مقدس است: قل كل من عند الله. <sup>۳</sup> و جناب محقق فلاسفه و فخر طایفه حقه، صدر المتألهین رضوان الله علیه را در این مقام بیانی است <sup>۴</sup> که مبنی بر آن است که نفس ادراك ملائیم و منافر جنّت و نار است، و علوم از ملائیمات نفس، و جهل از منافرات آن است. و این مخالف با نظریه خود آن بزرگوار است در مسفورات حکمیه خود بر ردّ شیخ غزالی <sup>۵</sup> که او را مسلکی است که جنّات و دوزخ را به لذات و آلام حاصله در نفس حمل کرده، و وجود عینی آنها را منکر شده است، چنانچه از او منقول است. <sup>۶</sup> و این مذهب با آنکه مخالف برهان حکماست، خلاف اخبار انبیاء و کتب سماویه و ضرورت جمیع ادیان است. و حضرت فیلسوف عظیم الشان او را ردّ و خیالش را ابطال فرموده، ولی شبیه آن معنی را خود آن بزرگوار در این مقام فرموده گر چه اصل مسلک غزالی را انکار دارد. و در هر صورت، این کلام در نظر قاصر صحیح نیاید، ولی مناسب این اوراق بیش از این تفصیل نیست.

۱ - هر چه کرده بودند حاضر یافتند. (کهف - ۴۹)

۲ - «پس هر که به قدر ذره‌ای نیکی کرده باشد، آن را می‌بیند، و هر که به قدر ذره‌ای بدی کرده باشد، آن را خواهد دید.» (زلزال - ۷-۸)

۳ - «بگو همه از جانب خداست.» (نساء - ۷۸)

۴ - شرح اصول کافی، ص ۷-۱۳۶، «کتاب فضل العلم»، «باب ثواب العالم و المتعلم»، حدیث ۱

۵ - اسفار اربعه، ج ۹، ص ۱۷۲، «السفر الرابع»، باب هشتم، فصل ۱۰

۶ - تهافت الفلاسفه، غزالی، ص ۲۶۸

## فرشتگان بالهای خویش را برای طالب علم فرش کنند

بدان که از برای ملائکة اللّٰه صنف و انواعی کثیره است که جز ذات مقدس علامّ الغیوب کسی عالم به آنها که جنود حق هستند نیست: **و ما یعلم جنود ربّک إلاّ هو**.<sup>۱</sup> یک صنف از آنها ملائکه مهیمین مجذوبین هستند که اصلاً نظر به عالم وجودیه ندارند و ندانند خداوند آدم را خلق فرموده یا نه، و مستغرق جمال و جلال حق و فانی کبریای ذات مقدس او هستند.<sup>۲</sup> و گویند در آیه شریفه **ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ**،<sup>۳</sup> کلمه مبارکه «ن» اشاره به آن ملائکه است. و طایفه دیگر ملائکه مقرّبین و سکنه جبروت اعلی هستند. و آنها انواع کثیره هستند که از برای هر یک از آنها شأن و تدبیری است در عوالم که از برای دیگری آن شأن و تدبیر نیست. و طایفه دیگر ملائکه عوالم ملکوت اعلی و جنّات عالیّه هستند به اصناف مختلفه و انواع متشتمله. و طایفه دیگر ملائکه عوالم برزخ و مثال هستند. و طایفه دیگر ملائکه موکله به عوالم طبیعت و ملک هستند که هر یک موکل امری و مدبر شأنی هستند. و این دسته از ملائکه مدبّره در عالم ملک غیر از ملائکه موجوده در عالم مثال و برزخ است، چنانچه در محل خود مقرر است و از اخبار نیز مستفاد شود.<sup>۴</sup> و بیاید دانست که اجنحه و ریاش و اعضای دیگر در جمیع اصناف ملائکه نیست، بلکه از ملائکه مهیمین گرفته تا سکنه ملکوت اعلی منزّه و مبرّا هستند از امثال این اعضا و اجزای مقداریه. و آنها مجرد از جمیع مواد و لوازم آن و تقدرات و عوارض آن هستند. و اما ملائکه عوالم مثال و موجودات ملکوتیه برزخیه در جمیع آنها اجزا و اعضا و اجنحه و ریاش و غیر آن ممکن التحقق [است]. و چون از عوالم تقدرات برزخیه و تمثلات مثالیّه هستند، هر یک دارای مقداری خاص و اعضا و جوارحی مخصوص به خود می‌باشند. و **الصّافّات صفاً**<sup>۵</sup> و **اولی أجنحة مثنی و ثلاث و رباع**<sup>۶</sup> راجع به این صنف از ملائکه است.

۱ - «و (شماره) لشگریان پروردگار تو را کسی جز او نمی‌داند.» (مدثر - ۳۱)

۲ - علم الیقین، ج ۱، ص ۲۵۶. «مقصد دوم»، باب اوّل، فصل اوّل

۳ - «ن، قسم به قلم و آنچه نویسند.» (قلم - ۱)

۴ - علم الیقین، فیض کاشانی، ج ۱، ص ۲۶۸ - ۲۵۹، «مقصد» دوم، باب دوّم، فصل اوّل

۵ - «سوگند به صف کشندگان از ملائکه» (صافات - ۱)

۶ - «فرشتگان را رسولانی بالدار کرد: دو تا دو تا و سه تا سه تا و چهار تا چهار تا» (فاطر - ۱)

است. لیکن ملائکه مقربین و قاطنین جبروت اعلیٰ به واسطه احاطه وجودیه قیومیه می‌توانند در هر یک از عوالم به هیئت و صورت آن عالم متمثل شوند، چنانچه جبرئیل امین، که از مقربین درگاه و حامل وحی الهی و از اعلیٰ مراتب موجودات سکنه جبروت است، برای ذات مقدس رسول اکرم (ص) در مثال مقید دایما، و در مثال مطلق دو مرتبه، و در ملک گاهی، متمثل می‌شد. حتی در ملک گاهی متمثل به صورت دحیه کلبی، رضیع رسول اکرم صلی الله علیه و آله که اجمل ناس بود، می‌شد.<sup>۱</sup> و نباید دانست که تمثل ملکی ملائکه در عرض موجودات ملکیه نیست که هر سلیم الحس آن را ببیند، بلکه باز وجهه ملکوتی آنها غالب و جهات ملکیه مغلوب است، و لهذا آنها را پس از تمثالات ملکیه نیز مردم با چشم ملکی نمی‌دیدند، بلکه با تأیید حق و اشاره حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله بعضی از اصحاب جبرئیل را که به صورت دحیه کلبی بود می‌دیدند. و بدین بیان طالبان علم و معرفت و متوجهین به حق و حقیقت و سالکین طریق رضای الهی از اولاد روحانی آدم صفی سلام الله علیه که مسجود ملائکه و مطاع تمام دایره وجود [بود]، هستند، و جمیع ملائکه الله عنایت به او دارند و به تأیید و تربیت او مأمورند. و چون این ملکی ملکوتی شده و این ارضی سمائی شده، قدم بر جناح ملائکه گذاشته است، که اگر چشم بصیرت ملکوتی و مثالی باز شود، می‌بیند که بر جناح ملائکه قرار گرفته و با تأییدات آنها طی طریق می‌نمایند. این راجع به آنها که از ملک سفر به ملکوت کردند، گرچه باز در طریق هستند.

و اما آنها که ملکی هستند و باز به ملکوت وارد نشده‌اند، ممکن است ملکوتیین به تأیید آنها مشغول شده و برای تواضع آنها پره‌های خود را فرش آنها قرار دهند برای خشنودی از آنها و عمل آنها، چنانچه در این حدیث شریف و در حدیث غوالی اللئالی اشاره به آن فرموده. *فيه عن المقداد، رضی الله عنه، أنه قال سمعت رسول الله، صلی الله علیه و آله، يقول: إن الملائكة لتضع اجنحتها لطالب العلم حتى يطأ عليها* رضا به.<sup>۲</sup> «مقداد، علیه الرحمة، گوید شنیدم پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: همانا فرشتگان پره‌های خود را می‌گذارند برای طالب علم تا آنکه بر آنها قدم نهد از جهت رضایت به او.» پس معلوم شد که اول قدم إلى الله و إلى مرضاته، قدم به دوش ملائکه و جلوس بر جناح آنان است. و تا آخر مراتب

۱ - بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۶۷، «تاریخ النبی»، باب ۲ حدیث ۲۹

۲ - غوالی اللئالی، ج ۱، ص ۱۰۶، فصل ۶، حدیث ۴۴

تحصیل و حصول علم و معارف این فرش و افتراش موجود است، منتها مراتب فرق می‌کند، و ملائکه و مؤیدین این سالک طریق علم عوض شوند تا کار سالک به جایی رسد که قدم از فرق ملائکه مقربین بردارد و عوالمی طی کند و مدارجی بپیماید که ملائکه مقربین در آنجا راه نیابند و جبرئیل امین وحی اعتراف به عجز کند و گوید: **لو دنوت أنملة لاحترق**.<sup>۱</sup> و پس از اینکه این مطلب غیر مصادم با برهان، بلکه موافق با آن است، داعی به تأویل نیست، چنانچه فیلسوف معظم جناب صدر المتألهین ارتکاب آن فرمودند<sup>۲</sup>، با آنکه ملائکه عالم مثال و تمثلات ملکیه و ملکوتیه ملائکه را معترف و اثبات آن را در کتب حکمیه و مسفورات علمیه خود فرمودند با بیاناتی بی نظیر که مختص به خود آن بزرگوار است.

### تمام سکنه آسمان و زمین استغفار می‌کنند برای طالب علم

بدان که در محل خود مقرر است که حقیقت وجود عین تمام کمالات و اسماء و صفات است، چنانچه صرف وجود صرف کمال است. و از این جهت حق تعالی جلّ شأنه که صرف وجود است صرف تمام کمالات است، و عین همه اسماء و صفات جمالیه و جلالیه است. و در حدیث است که علم کلّه، قدره کلّه.<sup>۳</sup> و به برهان پیوسته است که حقیقت وجود در مرائی عین همه کمالات است، و هیچیک از کمالات امکان انسلاخ از آن ندارد، منتها ظهور آن کمالات به مقدار سعه و ضیق وجود و جلا و کدورت مرآت است، و از این جهت تمام سلسله وجود آیات ذات و مرآت اسماء و صفات‌اند. و این مطلب با آنکه مبرهن است، بلکه کمتر از مطالب حکمیه و در قوّت و اتقان برهان به پایه این مسئله می‌رسد، مطابق با مشاهدات اصحاب شهود و ذوق ارباب معرفت است، و موافق با آیات کریمه کتاب کریم و اخبار اهل

۱ - «اگر به اندازه بند انگشتی نزدیک شوم، خواهم سوخت.» بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۸۲، «تاریخ النبى»، «باب إثبات المعراج»، حدیث ۸۵

۲ - شرح اصول کافی، ص ۱۳۷، «کتاب العلم»، «باب ثواب العالم و المتعلم»، حدیث ۱

۳ - «همه او علم است، همه او قدرت است.» فارابی در فصوص می‌گوید: «وجود کلّه، قدره کلّه، حیاة کلّه.» ص ۲۵۳ و ۴۱۶

بیت عصمت و طهارت (ع) است. چنانچه در چندین موضع از کتاب الهی تسبیح کافه موجودات را گوشزد فرموده: **يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ**<sup>۱</sup>.

و **إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ**<sup>۲</sup>. و پر واضح است که تسبیح و تقدیس و ثنای ثنای حق تعالی مستلزم علم و معرفت به مقام مقدس حق و صفات جلال و جمال است، و بدون هیچ گونه معرفتی و علمی متحقق نشود. و در اخبار شریفه به طوری این مطلب شریف را با صراحت لهجه بیان فرمودند که به هیچ وجه قابل توجیه و تأویل نیست، ولی اهل حجاب و محجوبین از معارف الهیه، از اهل فلسفه رسمیه و مجادلات کلامیه، تأویل کلام خداوند کردند به تأویلات بارده‌ای که علاوه بر مخالفت با ظواهر آیات و نصوص آن، در بعضی موارد، مثل قضیه تکلم نمل در سوره مبارکه «نمل»<sup>۳</sup>، و مخالفت با نصوص کثیره وارده از ائمه اطهار علیهم السلام مخالف با برهان متین حکمی نیز می‌باشد، ولی اشتغال به ذکر برهان و مقدمات آن مخالف با وضع این اوراق است.

پس موجودات و ثنای آنها حق را از روی شعور و ادراک است. و در حدیث است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند که وقتی قبل از بعثت شبانی می‌کردم، گاهی می‌دیدم که گوسفندان بی‌جهت رم می‌کنند و وحشت‌زده می‌شوند.

پس از آمدن جبرئیل سبب را سؤال کردم. گفت این وحشت از صدای ضربتی است که به کافر می‌زنند که همه موجودات آن را می‌شنوند و از آن رم می‌کنند غیر از ثقلین<sup>۴</sup>. و اهل معرفت گویند انسان محبوب‌ترین موجودات از ملکوت است مادامی [که اشتغال] به ملک و تدبیرات آن دارد، زیرا که

۱ - «آنچه در آسمان‌ها و زمین است خدای را تنزیه می‌کنند.» (جمعه - ۱)

۲ - «موجودی نیست مگر به ستایش او تسبیح گو است ولی شما تسبیح آنان را نمی‌فهمید.» (اسراء - ۴۴)

۳ - تفسیر الجامع لأحكام القرآن، قرطبی، ج ۱۳، ص ۱۶۹-۱۷۶

۴ - روایت در «کافی» شریف است عن الباقر علیه السلام قال: قال النبي صلى الله عليه وآله: «انى كنت أنظر إلى الإبل والغنم وأنا أرهاها - وليس من نبى إلا وقد رعى الغنم - فكنت انظر إليها [قبل النبوة] وهي متمكنة في المكينة ما حولها شيء يهيجها حتى تدعر فتطير، فاقول: ما هذا؟ وأعجب حتى جاءنى جبرئيل فقال: ان الكافر يضرب ضربة ما خلق الله شيئا إلا سمعها و يذعر لها إلا الثقلين. (منه عفى عنه)



اشتغالش از همه بیشتر و قویتر است، پس احتجابش از همه بیشتر است و از نیل ملکوت محروم‌تر است.

و نیز از برای تمام موجودات وجهه ملکوتی است که به آن وجهه حیات و علم و سایر شئون حیاتیته را دارند: **وَ كَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ**.<sup>۱</sup> و این نیز وجه دیگر است از برای سرایت علم و حیات در موجودات.

و پس از آنکه معلوم شد که تمام موجودات را علم و معرفت است و تمام دارای وجهه ملکوتی هستند، ولی انسان چون در عرض این‌ها نیست و از ملکوت نیز محجوب است، علم به حیات و شئون حیاتیته آنها پیدا نمی‌کند، دریغی نیست که از برای انسان سالک طریق علم و متوجه به حق، که سرآمد تمام سلسله وجود ولی نعمت دار تحقق است، استغفار کنند و از مقام غفاریت ذات مقدس حق با لسان قال و لهجه صریحه ملکوتیه، که گوش باز ملکوتی بشنود، استدعا کنند که این ولیده کامله ملک و این فخر موالید طبیعت را به بحر غفران مستغرق فرماید و ستر جمیع نقایص او کند.

و تواند بود که چون موجودات دیگر دانند که وصول به فنای ذات مقدس و استغراق در بحر کمال برای آنها امکان‌پذیر نیست جز به طفیل و تبع ذات مقدس انسان کامل عالم باللّه و عارف معارف الهیه و جامع علم و عمل - چنانچه این نیز مقرر است در محالّ خود - از این جهت کمال انسانی را، که به استغراق در بحر غفاریت حق حاصل شود، از حق تعالی طلب کنند که خود نیز به وسیله او به کمالات لایقه خود برسند. **و اللّٰه العالم.**

امام خمینی (ره)، شرح چهل حدیث، ص ۴۱۳

نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی (ره)؛ مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور